

CONCURRING OPINION

Case No. 10812

Chamber Three

پرونده شماره ۱۰۸۱۲

شعبه سه

حکم شماره ۳-۱۰۸۱۲-۴۳۲

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحد

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	29 AUG 1989
	۱۳۶۸ / ۶ / ۲
	تاریخ

تله داین اینداستریز، اینکورپوریتد،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط

ایالات متحده آمریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.



نظر موافق ریچارد سی. الیسون

۱ - اینجانب علیرغم تمایل خود، به این نتیجه رسیده‌ام که، باتوجه به مشابهت واقعیات این پرونده با واقعیات پرونده سی. بی. ای. اینترنشنال دیولوپمنت کوریوریشن و دولت ایران(۱)، ملاحظه تداوم رویه دیوان و رعایت احترام آن ایجاب می‌کند که تصمیم

۱- حکم شماره ۳-۱۱۵-۹۲۸ مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۶ مارس ۱۹۸۴]، منتشره در
5 Iran-U.S. C.T.R. 177

دیوان در آن پرونده، در اینجا نیز اعمال و ادعای حاضر به دلایل صلاحیتی رد شود. اما اگر روی این نظر خود تأکید نکنم که اعمال تصمیم متخذه در پرونده سی. بی. ای. اینترنشنال باید محدود باشد بطوریکه نتیجه حاصله در آن پرونده مانند مورد حاضر، از محدوده دقیق واقعیات ارائه شده در این دو پرونده فراتر نرود کوتاهی کرده‌ام.

۲ - قید انتخاب مرجع رسیدگی که در حال حاضر مورد نظر ماست بشرح زیر است:

ماده ۲۰ - اختلافات "طرفین این قرارداد موافقت دارند که هرگونه اختلاف ناشی از این قرارداد را باهم دوستانه حل نمایند. ولی چنانچه طرفین نتوانند اختلافات فیما بین را حل کنند، چنین موافقت می‌شود که داوری نهایی توسط یک دادگاه ایرانی انجام شود و [دراینصورت] ترجمه فارسی [قرارداد] حاکم خواهد بود."

۳ - در پرونده سی. بی. ای. اینترنشنال دیوان، یک قید انتخاب مرجع رسیدگی را (که به استثنای تفاوت‌های جزئی املائی مشابه قید حاضر است) بدانگونه تفسیر نمود که منظور از آن ارجاع هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد به دادگاههای ایران بوده‌است. دیوان برای رسیدن به نتیجه مزبور، غیر عادی ترین تعریف را برای کلمه "داوری" ("arbitration") قائل شد و نتیجه گرفت که این واژه بجای آنکه به مفهوم عادی خود در انگلیسی باشد، به معنی "فیصله دادن" یا "دادرسی" بکار رفته است. موئید نتیجه گیری دیوان آن بود که گرچه هیچیک از طرفین اصولاً از بود و نبود متن فارسی قرارداد خبری نداشتند، هر دو طرف معتقد بودند که قرارداد بدواً توسط طرف ایرانی آن تهیه شده بوده است. با این کار، دیوان توانست به یک واژه انگلیسی که ابهام دیگری نداشت معنائی منتقل کند که ظاهراً با کاربرد فارسی آن تداعی داشت.

۴ - قاضی ماسک در نظر مخالف خود در پرونده سی. بی. ای. اینترنشنال سه تفسیر ممکن

از قید [انتخاب مرجع رسیدگی] ارائه نمود:

اولاً، کلمه "داوری" بصورتیکه بکار رفته می‌تواند به معنی حل و فصل اختلاف از طریق داوری مشروط به اعمال کنترل های عادی قضائی باشد. استفاده از کلمه "نهایی" با این تعبیر سازگار است. بطور کلی، رسیدگی قضائی غیر نهائی وجود ندارد. ولی داوری غیر نهائی می‌تواند وجود داشته باشد و مثال آن موردی است که در آن رسیدگی مجدد قضائی مجاز است. بنابراین، طرفین پیش بینی جریان داوری "نهایی" را کرده‌اند.

ثانیاً، همانطور که دیوان اشاره کرده این قید می‌تواند اشاره به حل و فصل قضائی باشد. استفاده از کلمه "داوری" با چنین تعبیری مغایرت دارد.

ثالثاً، طرفین ممکن است سهواً قیدی را درج کرده باشند که نامفهوم باشد، عیناً مانند قیدی که در پرونده درسر اینداستریز اینکوریوریتد و ایران [قرار اعدادی شماره ۴۶۶-۹ دیوان عمومی مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱] پنجم نوامبر ۱۹۸۲ [منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R 280] مورد بررسی قرار گرفت، که در آن قید اختلافات به دیوانعالی کشور ایران ارجاع می‌شد. چون چنین ارجاعی قانوناً امکان نداشت، دیوان نظر داد که قید مذکور صلاحیت دیوان را سلب نمی‌کند. در مورد حاضر نیز "داوری" در دادگاههای ایران امکان ندارد.

نظر مخالف ریچارد ام. ماسک در پرونده سی. پی. ا. اینترنشنال ص ص ۴-۵ حکم

شماره ۳-۹۲۸-۱۱۵ مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۶ مارس ۱۹۸۴]، منتشره در

5 Iran-U.S. C.T.R 181,183-84. بنابراین قاضی ماسک نتیجه گرفت که:

باتوجه به سه امکان فوق‌الذکر، برای من روشن نیست که دیوان چگونه نتیجه گرفت که قید مورد بحث "بدون ابهام صلاحیت را محدود به دادگاههای ایران می‌کند" و در نتیجه الزامات بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل ادعاها را با وضوح کافی "ایفاء می‌نماید."

ایضاً ص ۵. به نظر می‌رسد تحت ضوابطی که دیوان باید درمورد پرونده‌های حاوی

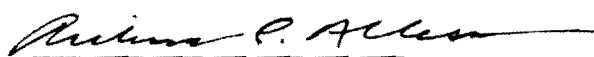
قید انتخاب مرجع رسیدگی (۲) اعمال کند، نظر قاضی ماسک مبنی بر اینکه قید مورد نظر نمی‌تواند بدون ابهام صلاحیت را به دادگاههای ایران محدود کند، صحیح باشد. بعلاوه، در تأیید نکته اول قاضی ماسک، که اکثریت در پرونده سی. سی. ا. اینترنشنال آنرا "فنی" خواند و "تمامی ماده را از هرگونه معنی و اثر معقولی بی بهره می‌سازد"، دلایل قوی وجود دارد. رجوع شود به: ص ۷ حکم صادره در پرونده سی. سی. ا. اینترنشنال، مذکور در فوق. به دلایلی که ذیلاً تشریح شده، به نظر من، در مفهوم "اجرای دآوری توسط دادگاههای ایران" بهیچوجه تناقضی وجود ندارد.

۵ - در آئین دادرسی مدنی ایران، دآوری زیر نظر دادگاه صریحاً پیش بینی شده است. درواقع مواد ۶۳۲ تا ۶۷۶ آئین [دادرسی مدنی] روش دآوری را که در آن دادگاههای ایران نقشی، اگرچه محدود ولی مهم، ایفاء می‌کنند، بتفصیل شرح داده است. برای مثال: ماده ۶۳۵ مقرر می‌دارد که هرگاه یکی از طرفین، داور خود را معین ننماید، دادگاه صالح به درخواست طرف دیگر، دآوری معین خواهد نمود. مواد ۶۳۶ و ۶۳۷ چگونگی تعیین داور از طرف دادگاه را در موارد دیگر معین می‌کنند. به موجب ماده ۶۴۷، "دادگاه [پس از تعیین داور] ورقه‌ای مشتمل بر نام و مشخصات طرفین و موضوع دعوی و نام داورها و مدت دآوری [در صورتیکه معین شده باشد]، تنظیم نموده و به داورها ابلاغ می‌نماید." در مواد ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷ و ۶۶۸ موارد تصحیح و ابطال رأی داور و حکم دآوری توسط دادگاه، مقرر شده است. بعلاوه،

۲- طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، "ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً رسیدگی به دعاوی مربوط در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران" باشد از صلاحیت دیوان مستثنی شده‌اند. طبق تفسیر دیوان عمومی از این ضابطه، برای اینکه ادعائی از صلاحیت دیوان مستثنی شود، قید انتخاب مرجع رسیدگی می‌بایست "بدون ابهام صلاحیت را به دادگاههای ایران محدود کند." رجوع شود به: ص ۳ تا ۴ قرار اعدادی شماره ۳-۶۸ دیوان عمومی مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [بنجم نوامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده هوارد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R 248,250.

ماده ۶۷۲ مقرر می‌دارد که "مقدار حق‌الزحمه داور در مواردی که خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت آن ممکن نیست به نظر دادگاه معین می‌شود." (۳) بدینصورت معلوم است که در قوانین مربوطه ایران، نقش نسبتاً فعالی برای مبادرت به جریان دآوری و مدیریت و بررسی آن برای دادگاهها در نظر گرفته شده است. چنین نقشی با قصد طرفینی که مقرر داشتند "داوری نهائی اختلاف توسط دادگاههای ایران انجام خواهد شد" کاملاً هماهنگ می‌باشد.

۶ - معهذاً، به دلیل فقدان هرگونه صفت ممیزه‌ای در متن قید مورد بحث یا مدرکی دال بر اینکه تدوین کننده آن ایرانی نبوده، ناگزیر با تصمیم حاضر موافقت می‌نمایم.



ریچارد سی. الیسون

۳- ماده ۶۷۱ [آئین دادرسی مدنی] حق‌الزحمه داور را در سایر موارد تعیین می‌کند.